

پیام دانشجو

ارگان رسمی دانشجویان
دانشگاه تهران وابسته بجمهوریه
ملی ایران

سه شنبه ۲۹ اسفند قیمت ۶ ریال

تبریک

فرا رسیدن نوروز یادگار تمدن درخشان ایران کهن را ب همه مردم این سرزمین شادباشی
گفته آرزو داریم سال نو سال بازگشت آزادیهای ملت ایران و سال تجدید پیروزی های نهضت
ملی باشد.
هیات تحریریه نشریه پیام دانشجو

ادعاهای پوچ

هیات حاکمه ماسک میاندازد، فریب وریسا
بدنبال فریب وریا، بازیهای کهنه ارتجاع را تکرار
بقیه در صفحه ۵

از پیام رادیوئی جناب آقای دکتر مصدق

در ساعت ۱۰ بعد از ظهر روز ۲۹ اسفند
۱۳۳۰ (یکسال بعد از ملی شدن نفت)
خطاب بملت

... آوازه همت و عزم خللناپذیر شما
در کستن زنجیرهای استعمار اقتصادی به گوش
جهانیان رسیده است و خواهد رسید و همه
خواهند دانست که روح ایرانی از ماورای تاریخ
کهن چندین هزار سالهائی از نو درخشیدن
گرفته و روزهای زبونی و ناتوانی خویش را
اینگ پشت سر گذاشته است - هیچ چیز جز
اراده آهنین شما نمیتوانست این زنجیرهای
جان فرسا و کران را از میان بردارد. تقویت و
احساسات صمیمانه هموطنان عزیزم کار نرفت را
بدانجا کشید که قوه قانونگذاری مملکت
بمطابقت از افکار عمومی ملی شدن نفت و
قانون اجرای آن را باتفاق آراء تصویب کرد

تاشرکت نفت در ایران هست ملت ایران نخواهد توانست از استقلال
سیاسی و اقتصادی خود بهره مند شود و آرزو می کردم روزی فرارسد که
ملت ایران بتواند این زنجیر بدبختی و این حلقه اسارت و عبودیت
را پاره کند*
از نطق دکتر مصدق هنگام طرح قانون ملی شدن نفت در مجلس
سه شنبه ۲۲ اسفند ۱۳۲۹

((۲۹ اسفند روز تجلی اراده ملت))

اگر روز بیست و نه اسفند ۱۳۲۹ شمس را با روزی چون ۲۷ جمادی الثانی ۱۳۲۷ قمری
یعنی روز غلبه آزادی بر استبداد، روز پیروزی رزمندگان راه مشروطیت بر حاکم نشینان مستبد
تهران برابر شماریم سخنی بکزاف نرفته است و هر گاه مصدق را بعنوان برجسته ترین ادامه دهند
سنتهای رزمی انقلابی مشروطه بشناسیم بواقعیتهای مسلم دست یافته ایم زیرا هنگام استقرار مشروطه
ملت درک کرده بود که بدون آزادی یعنی بدون دردست گرفتن سرنوشتش هر گونه اقدام اصلاحی
در زمینه بهبود وضع ملت بمشابه نقشی است که خواجه برایوانی ویران میشانند
درست سالها بعد هنگام اوج مبارزه ضد استعماری مردم ما، بهنگامیکه شرکت سابق نفت
یعنی فعال مایشاء کشور، یعنی غارتگر عظیمترین منابع زیرزمینی ما خط اصلی مبارزه را برای ملت
تشکیل میداد و هیچ اقدامی مقدم بر درهم شکستن این پایگاه استعماری نبود. در این مجلس
طنین افکند که: «تا شرکت نفت در ایران هست ملت ایران نخواهد توانست از استقلال سیاسی و
اقتصادی خود بهره مند شود» هدف معلوم و راه مشخص شد و اراده ملت این بود که از استقلال اقتصادی
و سیاسی خود بهره گیرد.

چنین شد و در تاریخ ۲۹ اسفند ۱۳۲۹ قانون ملی شدن نفت یعنی قانون استقلال ایران تحت
فشار افکار عمومی بتصویب رسید*
بدنبال این پیروزی منافع دشمنان خارجی و ایادی داخلی آنها بخطر افتاد و بخاطر نفع
پایدشان متحدان بتوطئه پرداختند و موقتا بر نهضت غلبه کردند اما کدام عقل سالمی است که نداند
شکست ملت موقتی و زودگذر است و باز نداند که شکست قطعی از آن کسانی است که برخلاف
اراده ملتها یعنی برخلاف سیر طبیعی تاریخ کام میشوند.

مسئله کودتا

امروز دو موضوع اساسی را در مورد وضع حکومت
کشور ما همه می دانند: از سیاستمداران و طراحان
بقیه در صفحه ۶

نسل جوان نغمه

آزادی را می سراید.

هیچ دشمنی بدتر از مستبدی نیست که دولت
را در دست داشته باشد بدلیل آنکه در تحت
تسلط وی هیچ نوع قوانین عرفی وجود
نخواهد داشت بلکه تنها یک نفر حکومت میکند
که قانون را درست خویش گرفته است «
اوربید

در کشورهای استعمار زده ای چون ایران نقشی
بقیه در صفحه ۳

((کنگره دانشجوئی پاریس))

... اقرار کنیم که در این مرحله از مبارزات
ملی نقش دانشجویان و جوانان روشن بین ورشید
بقیه در صفحه ۶

اصلاحات ارضی یا طرح هیات حاکمه برای نجات سرمایه مالکین

منظور از اصلاحات ارضی و تقسیم زمین
برچیدن بساط ارباب و رعیتی و جایگزین طرز تولید
نوین کشاورزی است
بقیه در صفحه ۴

ریشه ظلم و ستمگری جز بایسته آزادی کننده نخواهد شد

از ملك المتكلمين

خطابه آزادی

هر کس خدای خود را در یکی از صفاتش ستایش
می کند زیرا صفات خدا عین ذات اوست. من
پروردگار خود را در مظهر آزادی پرستش می کنم و
معتقدم بزرگترین مواهب رحمانی در این مظهر صمدانی
تجلی یافته و بالاترین موهبتی که خداوند ببندگانش
عطا فرموده آزادی است زیرا بدون آزادی بشر بر سر
منزل کمال مطلوب که خداشناسی است نائل نخواهد
شد و بر موز حقایق فلسفه وجودی نخواهد بود و در
دنیا و آخرت رستگار نخواهد شد

بقیه در صفحه ۵

((دیروز و امروز))

راه تاریخ برای مردم کشور ما راهی پرفراز
و نشیب بوده است راهی که در طول آن قهارها و
فهرمانها، برنجها و شادها، اسارتها و آزادیها و
بالاخره شکستها و پیروزیها کام برداشته اند سرزمین
ما شاهد نبردهای پرشکوهی بوده که در پهنه آن
مردانی شکست ناپذیر و آهنین چون بابک و مازیار
چهره نموده اند ایستادند و مردند لکن حماسه ای پدید
آوردند که چون کردبادی شکنده طومار حیات اسارت
و غلامی را در هم پیچید. اما همان هنگام آدمکهای
زبونی هم بودند که با مر منافعشان سلطه مهاجم را
کردن نهادند و شرفشان را در محراب نشکین حیاتشان
قربانی کردند *

بقیه در صفحه ۲

در و بدکتر مصدق پیشوای زندانی ملت

بقیه دیروز و امروز

بر کیفیت زندگی قلم بطلان کشیدند و کمیت آنرا زیر سرپوشی ازادبار پنهان نمودند این عظمتها و پستیها، این شایهها ورنجها، این شهدا و شرنکها مختص يك دوره از تاریخ ما نبود بلکه زمان ما هم مشحون از این تضادها است. در همه ادوار تاریخ دیده ایم و خواهیم دید مردانی را که قیافه آنها الهام بخش راهسپاران صحنه تاریخ است و باز بقیافههایی برخورد خواهیم کرد که برجین آنها داغ ننگ نشسته است. روزهای را می شناسیم که غم فرسا و جانکدازند و دقایقی را بخاطر می آوریم که یاد آن بسی پرشکوه و دلگشا است. نبرد باشکوه ضد استبدادی و در نتیجه ضد استعماری مردم کشور ما که منتج به استقرار حکومت مشروطه و حاکمیت قانون بر اراده های فردی گردید یکی از این روزها و خاطره فرمانانی چون ستارخان و باقرخان صوراسرافیل و قاضی ارداقی چون تاج افتخار بر تارک این روزها می درخشد.

قسمت اعظم مشروطیت ما مربوط بدورانی است بنام «استبداد صغیر» که شباهتی تام با «استبداد کنونی» یعنی اوضاع و احوالی که فعلا با آن دست بگریبان هستیم دارد. ملت ایران آنروز بخوبی درک کرده بود که بدون وجود دمکراسی و جانشینی اراده ملت بر خواستهای فردی حتی تفکر در ساره تقلیل بدبختیها عبت و بیبوده است مردم می خواستند که در تعیین سرنوشتشان شرکت جویند. راه نائی هم وجود نداشت. ملت می دانست که مدتهاست هیات حاکمه خود را در مقابل تضمین ادامه چپاولش باستعمار فروخته و آنها را هم در این غارت شریک کرده است. اقتصاد ملی ما که در دوره های گذشته رونق داشت مثل امروز بپوششگی کشیده شده بود زندگی پارچه بافان اصفهانی بعلمت ورود امتعه خارجی به محنت و فلاکت رسیده بود بچه های نخریسان اصفهانی در کوچه و بازار می خواندند که: هر که را کارش بود بافندگی. مردنش بهتر بود از زندگی زندگی دهقانان هم بهتر از پارچه بافان شهر نبود ریشه و ارتشاء که از خصوصیات حکومت بی بندوبار فردی است تا ریشه در اعماق دستکاه حکومت رسوخ نموده بود خرید و فروشی مناصب و مشاغل بازاری گرم داشت. ظلم و ستم بخصوص نسبت بروشنفکران بیداد میکرد مانند امروز بی درپی و امهائی که رشکن خارجی در مقابل حراج امتیازات داخلی بعلمت ما تحمیل می شد. سرنوشت مردم کشور مادردست سرفرای خارجی و روی میز سفارتخانه ها جلو فصل میگردد کشور ما بسوئی میرفت تا برای همیشه استقلال آن از صفحه تاریخ محو گردد. در يك چنین شرایط ملت ایران تصمیم گرفت که خود حاکمیتش را دردست گیرد قیام کرد و در تاریخ ۱۳۲۴ قمری فرمان آزادی فرمان مشروطیت را بدست آورد مجلس تشکیل شد و از آنجا که دست ملت حکومت میگرد بقطع ریشه فساد گذشته پرداخت. اخذ هر گونه وام و دادن هر گونه امتیازی را ممنوع نمود دشمنان داخلی و خارجی که منافع خود را در خطر میدیدند بتوطئه پرداختند و در سال ۱۳۲۶ قمری بفرمان محمد علی شاه و بادست لیاخف خانه ملت را بتیوب بستند لکن کار خاتمه نیافت چند روز بعد ضرورت تاریخ در طنین صدای ستارخان از محله امیرخیز آشکار گردید جنبش از محله فرمان پرور امیرخیز آغاز شد و بعد از ۱۳ ماه پارتک انابک در تهران خاتمه یافت.

يك سند تاریخی

دکتر فاطمی و ملی شدن

نفت

این نامه را جناب آقای دکتر مصدق در باره حسین فاطمی شهید راه ملی شدن صناعت نفت مرفوم فرموده اند.

«اگر ملی شدن صناعت نفت خدمت بزرگی است که بمملکت شده باید از آن کسی که»
 «اول این پیشنهاد را نمود سپاسگزاری کرد»
 «و آن کس شهید راه وطن دکتر حسین فاطمی»
 «است که روزی در خانه جناب آقای نریمان»
 «پیشنهاد خود را داد و عده نمایندگان جبهه»
 «ملی حاضر در جلسه آنرا با اتفاق آراء»
 «تصویب نمودند رحمت اله علیه که در تمام»
 «مدت همکاری با اینجناب حتی يك ترك اولی»
 «هم از آن بزرگوار دیده نشد»

«دکتر محمد مصدق»

در طول این ۱۳ ماه یعنی از ۲۳ جمادی الاول ۱۳۲۶ قمری تا ۲۷ جمادی الثانی ۱۳۲۷ ملت ایران مردان ارزنده ای چون قاضی ارداقی صوراسرافیل ملک المتکلمین را از دست داد ولی در قبال آن حاکمیت ملت را بجای حکومت فردی مستقر نمود.

حالا آقای امینی روی سخن ما با شما صدراعظم حکومت قانون شکن و مستبد کنونی است. شما مانند خلف صدقتان عین الدوله مدعی هستید که ملت ایران مشروطیت و مجلس لازم ندارد و مستبدان هم بی ترتیبی ها و خلافکاریها و تقلبها نیست که در انتخاب نمایندگان آن صورت میگیرد ما هم خوب میدانیم که مجالس ملی کمتر داشته ایم اما برخلاف شما با علت آن هم بخوبی آشنا هستیم این دستکاه حاکمه و نماینده آن دولتها هستند که نمی خواهند نمایندگان واقعی ملت بمجلس بروند این دهقانان کشورمان نیستند که بارضا و رغبت فتوادالها این زالوهای خونشان را به مجلس می فرستند این سرنیزه ژاندارمهای شماس است که بکمک فتوادالها می شتابد شماسرنیزه ژاندارم را از پشت دهقانان ما بردارید خواهید دید که بخوبی بوظیفه خود آشنا هستند حتی خواهید دید که برای احقاق حق مسلمشان احتیاجی هم به لایحه باصطلاح ارضی شما نخواهند داشت.

این روشنفکران مان بودند که رای دادند و مجلسی ساختند که پیروزیهایشان را بر باد دهد بلکه این دولت بود که مجلس ساخت و شما هم وزیر دارائی آن بودید و از همین مجلس هم تقاضای تصویب قرارداد ننگین کنسرسیوم را کردید و در آنروز بهیچوجه هم بعلاحت آن پارلمان ایراد نکردید چرا؟ زیرا آنروز منافعتان ایجاب می کرد و برخلاف اتهاماتی که بدیگران می زدید می خواستید بهر قیمتی شده برمسند وزارت تکبیه زدید اگر چنین نیست بما پاسخ دهید چرا در آنروز شما که باستناد اطلاعات گذشته تان امروز همه مجالس را فرمایشی قلمداد می کنید و بس شک مجلسی را که قرارداد کنسرسیوم را تصویب نمود جزء آن بشمار می آورید و در شهادت هم زبان زد حتی روزنامه های خارجی هستید اعلام نمودید که این مجلس قلابی است و صلاحیت رسیدگی بامر خطیری را که ملت در

باره آن تصمیم نهائی گرفته است ندارد. اما چرا اکنون دلتان بحال ملت سوخته و نمی خواهید مجلس داشته باشد زیرا نمی خواهید فتوادالها در آن راه داشته باشند علت هم برای شما و هم برای ملت کاملاً روشن است انگیزه شما در تعطیل مشروطیت بعنوان هراس از فتوادالیزم بهانه ایست که هر کودک نا آشنا با مسائل اجتماعی آنرا بخوبی درک می کند شما خوب می دانید هراس شما از فتوادالیزم نیست بلکه وحشت شما از جنبشی است که پس از هشت سال اختناق سال قبل آغاز شده و امسال تکامل یافته و می رود تا بآرمانهایش تحقق بخشد اگر چنین نیست چرا زندانهای شما بجای فتوادالهای مداخله جو از استادان باشرفر چون صدیقی ها سنجابی ها و آذرها و حبیبی ها پر شده است اگر چنین نیست چرا صدها تن از دلیرترین دانشجویان، این جوانترین و خلاقترین نیروهای کشور ما را بزندان گسیل داشته اید و عظیم ترین سنگر ضد فتورالی کشور یعنی دانشکاه را تعطیل کرده اید؟

شما میدانید که شروع انتخابات با تجلسی نیروی ملت همراه خواهد بود و باز بهتر میدانید که هر گاه مجلس بدون حضور نمایندگان ملت افتتاح شود علاوه بر عدم امکان ادامه حیات رسوائی بزرگی بر طومار رسوائیهای هیات حاکمه خواهد افزود اما چنانچه نمایندگان از طرف ملت تحت فشار افکار عمومی بمجلس راه یابند فساد دوره ۸ ساله کودتا بر ملا خواهد شد و خیلی ها به بازخواست کشیده خواهند شد که یکی از آنها خود شما هستید این بن بست است که در آن گیر کرده اید و این آن واقعیتی است که هرگز بیان نمیکنید. بدین علت مجدداً استبداد محمدعلی شاهی را علم کرده اید ولی در اینکار همانقدر توفیق خواهید یافت که مستبدان «استبداد صغیر» یافتند و دوران آن همانقدر طولانی خواهد بود که دوران «استبداد صغیر» بود.

زیرا ملت ایران فریب ۵۰ سال قبل با استبداد پاسخ گفته است و با استقرار حکومت مشروطه رشد اجتماعی خود را بشیوت رسانیده همه کسانی که میخواهند یکبار دیگر بساط حکومت دیکتاتوری را بکسترانند باید دانند که مدتهاست تاریخ در جهت انهدام اراده های فردی متحرک است.

ملت ایران از دیرباز راه خود را انتخاب کرده و هرگز نمیخواهد کارگران ناسج اصفهانیس مانند دوران ۸ ساله کودتا و پارچه بافان دوران استبداد مغلوب و ستم کشیده باشند مردم ما میخواهند برخلاف امروز از دود کش کارخانها دود بر خیزد و این نشانه رونق صنایع داخلی شان باشد.

مردم ما میخواهند برخلاف امروز روشنفکرانشان ارجمند و عزیز باشند نه زندانها از استادان و دانشجویان پر شود.

مردم ما میخواهند فرهنگ کشورشان از قید اسارت استعمار نجات یافته و روز بروز بسط و گسترش یابند نه مانند امروز دانشگاهها و مدارسش بدست تعطیل سپرده شوند.

مردم ما میخواهند دهقانان نشان عملا صاحب زمین شوند نه مانند امروز بجای زمین حرف تحویل گیرند مردم ما میخواهند در امور مملکتی اظهار نظر کنند نه مانند امروز حق انتشار حتی يك روزنامه حقیقی را نداشته باشند.

خواستهای بالا با اصلد و خصوصیات حکومتهای استبدادی متضاد و متغایر است و بهمین دلیل تنها دولت هائی میتوانند بدانها جامه عمل بپوشانند که مبعوث ملت باشند آنچنانکه بسیاری از آنها در دوران اول مشروطه و در زمان حکومت ملی مصدق که نماینده ملت بود تحقق پذیرفت ولی در دوران استبداد و دوران ۸ ساله کودتا شکل نیافتند

بقیه نسل جوان

عظیم و تاریخی در مبارزات راه آزادی بهمه روشنفکران مخصوصا دانشجویان که گروه بزرگ متشکلی از روشنفکران را تشکیل می دهند گذارده شده ، دانشجویان ایران با این نقش تاریخی بخوبی واقفند و مبارزات پی گیر آنان تا کنون نشان دهنده این وقوف بوده است . و از پیش فراوان نهضت آزادی ملت ما بوده سرسختانه بادشمنان مردم ما جنگیده اند نه تنها روح سازش با هیئت حاکمه فاسد ایران در میان آنان رسوخ ندارد بلکه از همان اوان مبارزه تمام دستها را میان خود و این ایادی استعمار بریده ، در صفی مقابل آنان قرار گرفته اند . از آنسوی پیوندهای خود را با ملتشان مستحکم کرده و اکنون در صفوف مقدم نهضت ملی ایران جای دارند ، از طرفی هیئت حاکمه فاسد ایران دشمنان پیگیر خود را بخوبی می شناسد . و می داند با وجود چنین دشمنانی اداء حیات مختصر من روز بروز غیر ممکن می گردد . و از آنجهت است که می کوشد تا این سدهای عظیم و استوار را حتی بغنیمت ریختن خون جوانان از میان بردارد . و راه را برای ادامه حیات ننگین خود هموار سازد . یورش و تاخت و تاز بدانشگاه نمونه این تلاشی مذبحخانه می باشد . کشتار ، ضرب ، جرح ، و بزننجیر کشیدن مبارزان مانه تنها نتوانسته مبارزات آزاد بخوانه این رزمندگان را متوقف نماید بلکه اکنون بیش از همه وقت سفوف فترده و متشکل آنان سدی عظیم مقابل اعمال ضد ملی دیکتاتورها است .

هیئت حاکمه خائن ایران همه وقت با نظر خصومت بدانشگاه این مرکز پرورش روح جوانان می نگرسته ، ولی عبت است اگر بیندیشد با بستن دانشگاه جلوی مبارزات حق طلبانه جوانان ما را خواهد گرفت . نسل جوان ما نقش تاریخی خود را در سخت ترین شرایط اختناق کنونی ادامه می دهد . پیروزی از آن کسانی است که در راه حق و حقیقت می جنگند . استبداد که تحت تسلط هیچ نوع قانون و عرفی وجود ندارد می داند که باید برای ادامه حیات خود فریاد حق طلبانه مردم ما را خاموش سازد ، نسل جوان ما بخوبی می داند وقتی پیروزی ممکن است که ریشه های دیکتاتوریم و ایادی استعمار را قطع نماید . از آنروست دیکتاتورها تلاشی می کنند تا همه جا مبارزات آزاد بخوانه ملت ما مخصوصا نسل جوان را درهم کوبند ؛ و از آنجهت است که نسل جوان ما می کوشد تا طومار زندگی دیکتاتوری را درهم پیچد . ملت ما به مبارزان جوان خود افتخار میکند و جوانان بآرمانهای ملت وفا دارند . و دوشا دوش مردم در راه سرنگون ساختن حکومت جابرو بر سر کار آمدن حکومت ملی دکتر مصدق نخست وزیر قانونی و تحقق بخشیدن به هدف های ملی کام بر می دارند . افق روشن نوید فردای تابناک را می دهد . نسل جوان نغمه آزادی را می سراید . بگذار جلالان دانشگاه بعبت بیندیشند که دانشجویان کرسود آزادی را ساز نمی کند . بگذار قزاقان فاتح دانشگاه باشک مادران داغدار بخندند ، بگذار بر زمین از خون سرخ شده دانشگاه پایکوبانه برقصند و دمی به پیروزی ظاهری خود شاد باشند . ولی شعله های خشم نسل جوان تا خرمن هستیشان را نسوزاند خاموش نمی گردد ولی فریاد نفرت مردم ما تا بنیان را نلرزاند خاموش نمی شود و مبارزه ما دانشجویان تا پیروزی قطعی و نهائی متوقف نمی گردد .

حیات ننگین دیوانگانیکه تازیانه برتوسن فلک میزند ، زندگی سیاه فهرانی که از ریختن خون مبارزان جوان ابا نمیکنند برآمده . نسل ما نسل مبارزان جوان است قرن ما قرن پیروزی ملتها است زمان ما زمان واژگون شدن بنیان ظلم و بیداد است اگر زنجیر های استبداد از هم می گسلد . از آنروست که افق روشن نوید فردای تابناک را میدهد ، از آنروست که نسل جوان نغمه آزادی را می سراید که افق روشن نوید فردای تابناک را می دهد از آنروست که نسل جوان نغمه آزادی را می سراید .

بقیه اصلاحات ارضی

طرز تولید نوین کشاورزی نه تنها مانع حکومت تکاملی صنعت نیست بلکه بار شد هر چه بیشتر صنایع موافق و سازگار است و موقعیت تازه ای که از طرز تولید نوین ناشی می شود کمک بزرگی برای رشد صنعت محسوب میگردد

از لایحه ارضی ارسنجانی - امینی هیچ منظوری جز سرکرمی مردم و فریب دهقانان و خدمت بمالکان بزرگ و حفظ روابط مالک و زارع بچشم نمی خورد و الحق که ارسنجانی هدف خود و امینی را از تدوین این لایحه خوب بیان کرده است (هدف این قانون نجات خود مالکین و سرمایه آنهاست)

ماده ششم: زمینهاییکه بنا به مقررات این قانون تقسیم و واگذار میشود عبارت است از:

الف- زمینهای دهاتی که در اجرای مواد ۲ و ۳ این قانون مازاد بر حسب نصاب باقی میماند اعزام از اینکه از طرف مالک یا مالکین نسبت بآن تقاضای ثبت شده باشد یا نشده باشد.

ب- زمینهای موات

پ- زمینهای بایر

آقای ارسنجانی در تغییر لایحه ارضی میگوید (دهاتی در حدود ۲۰ هکتار باشد ولی در فاصله معینی از هم قرار گرفته باشد و از ۳۰۰ هکتار تجاوز نکند بعنوان ده شش دانگ در تملک مالک خواهیم گذاشت)

این آن چیزی است که بیشتر شامل بندهای ماده ششم می شود و آنچه ارسنجانی - امینی از مالک میخرند و نازشست میدهند زمینهای موات و بایر است

آقای ارسنجانی زمینهای موات و بایر را میخرد و با سود صدی ده ۱۰٪ بزارعین واگذار میکند چنین است خدمت بزرگ ارسنجانی - امینی بزارعین ایران.

ماده پانزدهم: وزارت کشاورزی موظف است املاک انتقالی را بلافاصله به کسانی که مشمول دریافت زمین هستند ببهای خریداری شده باضافه حداکثر تا میزان ده درصد واگذار و بهای آن را در ظرف مدت ۱۵ سال با قسط مساوی و سالیانه بوسیله بانک کشاورزی دریافت نماید.

و اما زمینها را بین چه کسانی و چگونه تقسیم میکنند.

ماده شانزدهم: زمینهایی که بنا بمقررات این قانون تقسیم می شود بر رئیس خانوار انتقال داده می شود و در واگذاری اراضی از لحاظ تقدم بترتیب زیر رعایت می شود.

الف- زارعین هر ده که از همان زمین بزراعت مشغولند و مقیم در آن باشند.

ب- بزرگترانی که در آن ده با امر زراعت مشغول می باشند.

ت- کارگران کشاورزی مقیم منطقه تقسیم .

ث- افرادی که داوطلب کار کشاورزی باشند .

اسم کارگر دهقان و بزرگتر برای خالی نبودن عریضه و فریب مردم آمده است و الا زارعی که برای نیم سیر کردن شکم خود و خانواده اش در طول زندگی محصول ۳ تا ۵ سال بعد اربانک و سایر مفتخوران ده و شهر پیش فروش کرده است و پول را باریج ۵۰٪ و گاه بیشتر از بایخوار و مالک و پیشه ورده و طرف شهری تفزیل می کند با کدام پول می تواند زمین را از مالک بخرد

شاید آقای ارسنجانی میگوید وقتی زمین را از مالک خریدیم و با سود ۱۰٪ بزراع فروختیم او و خانواده اش از شدت حوشحالی چند برابر کار می کند و در برابر کمتر می خورد تا پول زمین پرداخت شود .

بسیار خوب ولی بزرگتر و کارگر دهقان پول چگونه و از کجا فراهم کند بقیه در صفحه ۴

بقیه کنگره دانشجو

این کوشش است . اول ژانویه ۱۹۶۲ برای همه دانشجویان ایرانی میتواند روز بزرگ و نسیان ناپذیر باشد

هیئت های نمایندگی فدراسیون های دانشجویی از همه جای اروپا و نیز امریکا در پاریس گرد آمدند و با خود نمایندگان سازمانهای دانشجویی کشورهای خارجی به بحث و مشورت درباره امور صنفی و مبارزات ملی ایران پرداختند و مخصوصا علی رغم تحریک و اخلال جمع معدودی که بدون تردید جز عوامل و ایادی دشمنان آزادی ملی و وحدت دانشجویی نامی نخواهند داشت بکوشش خلاق و ثمر بخش خود ادامه دادند و کنگره راه پیروزی کامل رساندند .

ملت ایران و مخصوصا دانشجویان دانشگاه های ایران بهترین ، دلگرم ترین سلامهای خود را نثار کنگره کفدراسیون دانشجویان ایرانی مقیم اروپا و امریکا می کنند .

دانشجویان دانشگاه تهران و شهرستانها از اینکه کنگره خویشتن را مظهر تمایلات و خواستهای صنفی و ملی آنان شناخته است عالیترین سپاسهای خود را تقدیم میدارد ، و با قطعیت و خلاص هر چه بیشتر آنرا تأیید می کند ، دانشجویان دانشگاه خونین تهران و دانشجویان مبارز شهرستانها توطئه عوامل انگشت شمار پیش راعلیه وحدت صنفی دانشجویان محکوم میکنند . دانشجویان ایران جمع مصوبات کنگره و تمام پیامها و قطعنامه های آنرا مورد تصویب کامل قرار می دهد و پیروزی مجاهدات دانشجویان ایرانی را که در راه منافع صنفی و ملی آرزو میکند .

.. بگذار جوانان ایران در کوششهای مقدس خود پیروز باشند .

.. بگذار ملت ایران بفرزندان دانشجوی خود در داخل و خارج کشور سلام کند .

(پیام اولین کنگره کفدراسیون محصلین و دانشجویان ایرانی و سومین کنگره کفدراسیون محصلین و دانشجویان ایرانی در اروپا به جناب آقای دکتر محمد مصدق رهبر ارجمند جنبه ملی ایران

سردار پیر . سر از زانوی اندیشه بردار و خروش فرزندان را بشنو که با سینه هائی مالا مال از اعیان و بفرمای پیروزی نام ترا می برند . ای دهقان سالخورده تاریخ ما . کاش می توانستی دیواره های قلعه ابراکه در آن بزننجیرت کشیده اند بشکافی و بیرون آئی تا چشم خویش ببینی از بظری که در مزرعه اندیشه ها کاشته ای نسلی روئیده است که جز بجهاد نمیاندیشد و جز برای تو کام نمی گذارد . و تو آنکاه میدیدی نهضتی را که تو رهبری کردی و او ترا پرورش داد امروز دارای فرهنگی غنی است . فرهنگی که صفحاش با خون نکاشته شده است و داستانش داستان شکنجه ها ، زندانها ، اسارتها و محرومیتها و ست امروز نسلی که پس از هشت سال پیکارش ولوله در جهان انداخته از این فرهنگ الهام می گیرد . مائیز هزاران فرسنگ دور از دیار عزیز و یاران دلیر خویش راه مقدس همین نسل را دنبال می کنیم و بی آنکه لحظه ای بمنافع خویش و حتی بحیات خود بیندیشیم دست اندر کار نبرد با پلیدی و تاریکی هستیم و امروز در برابر همان دشمنانی که از چپ و راست بر تو می تاختند ایستاده ایم و می خواهیم در کوشش ملت خود بسوی روشنائی سهم شایسته خویش را داشته باشیم . نام تو امروز نه تنها فضای وطن ما را گرم میدارد بلکه انسان های بیگانه ای را که امروز مادر زیر آن بر سر می بریم با روح و دل ما آشنا ساخته است زیرا هر کجا که می گذریم سخن از تو است و پیکار مقدس تو . ما بتو اعلام می کنیم که براهی که رفته ای وفاداریم . نام تو محک آزادی و شرف ماست و شیرازه اتحاد و پیوند ما . ما بتو اعلام می کنیم که دوش بدوش یاران تو می جنگیم و از شکنجه و کشتار خصم نمی هراسیم .

ما بتو اعلام می کنیم بنائی را که پی ریخته ای می سازیم . جهادی را که آغاز کردی پیمان می بریم و بقیه در صفحه ۴

بقیه اصلاحات ارضی

برزگرو کارگر وضعشان درده بخوبی روشن است و هر کس کمترین اطلاعی ازده و برزگرو کارگر داشته باشد بخوبی می داند که فروش زمین به برزگرو کارگر دهقان از آن حرفهای مفت و بی سر و تهی است که در هیچ قوطی عطاری جز نزد آرسنجانان - امینی یافت نمیشود.

در حالیکه همین آقای آرسنجانان برای فریب مردم و دهقانان میگوید

(زمینی را که زارع روی آن کار میکند زمینی را که زارع آباد کرده بموجب شریعت اسلامی و بموجب احکام فقهای اسلام متعلق بزارع است)

ولی دهقانان و مردم بخوبی آگاهند که آرسنجانان امینی نمایندگان مالکان بزرگ ایران رسالتشان نجات حیات و سرمایه مالکین است نه آزادی زارع - برزگرو - کارگر.

جالب توجه این جاست که دولت برای پر کردن جیب مالکان جز خزینه خالی و بدهکاری چیز دیگری ندارد و در چنین شرایط بحرانی بطرز موزیانه ای تامین اعتبار اجرای لایحه را مربوط به بودجه کل کشور می سازد

ماده ۲۶ - اعتبار لازم برای اجرای این قانون و هزینه های مربوط به سازمان و عملیات اصلاحات ارضی در بودجه کل کشور منظور و در اختیار سازمان مزبور قرار میگیرد

باینصورت تامین اعتبار در بودجه کل کشور منظور میگردد و میدانیم که امور مالی مخصوص مجلس شورای ملی است و حال معلوم نیست که کی مجلس می آید و از کجا و چگونه تامین اعتبار میشود و کی این حرفهای مفت را قبول میکند مهمترین قسمت رسوا کننده لایحه روابط مالک و زارع است

چطور ممکن است بز انداختن فتوای اسیم و تقسیم اراضی و ایجاد خرده مسالک و تشکیل شرکتهای تعاونی همراه با حفظ روابط مالک و زارع باشد.

تقسیم اراضی یعنی مالک شدن زارع یعنی خراب کردن ساختمان بزرگ مالکی و نحو روابط ارباب - رعیتی، یعنی ایجاد سازمان نوین تولیدی و غیره - لایحه روابط نوینی که متناسب با سازمان نوین تولید است.

واقعا جای تعجب است که چطور آرسنجانان می خواهد هم زمین هارا تقسیم کند هم بزرگ مالکی را براندازد و هم روابط مالک و زارع را حفظ نماید

این لایحه مثل همه هدفهایشان دروغ و حیله گرانه است و جر سرگرمی مردم و فریب دهقانان و پر کردن جیب مالکان و حراست حیات و سرمایه آنان هیچ منظور دیگری در کار نیست

تولید کشاورزی ایران و روابط مالک و زارع بر ۵ عامل زمین - آب - گاو آهن - بذر - کار استوار است از بعضی استثناها و فشارهای وحشیانه مالکان جهت دریافت محصول بیشتر که بگذریم طریقه تقسیم محصول در ایران طبق ۵ عامل فوق است.

هر عاملی یک سهم از ۵ سهم محصول را می برد و زارع یا گاو بند یا مالک هر چند عاملی که در اختیار داشته باشد بهمان نسبت محصول میبرد.

در باره کارگر دهقان صحبتی نداریم چون او در این لایحه محلی از اعداد نیست زیرا کارگر کسی است که نیروی کار خود را در قبال پول یا جنس می فروشد کارگر بمراتب از یک زارع و برزگرو دریافت کمتری از محصول کار خود دارد.

مالکان و گاو بندها او را مورد استثمار بسی رحمانه قرار می دهند.

برزگرو از ۵ عامل فقط عامل نیروی کار را دارد و از حاصل کار و زحمت توان فرسای خود یک پنجم آنرا آنهم بعد

از انواع آفتها آن که از طرف ارباب و دولت و ژاندارم و دیگر مفتخواران وارد میشود دریافت مینماید.

او مجبور است که برای همیشه با خانوادهاش کار کند، جان بکند و دودستی چهار پنجم محصول کار خود را بصاحبان و سائل تولید بپردازد.

زارع کسی است که غیر از عامل کار اغلب بذر را هم با هزار بدهی و قرض و پیش فروش کردن محصول فراهم می کند تا بتواند دو پنجم از محصول را داشته باشد.

زارع ظاهر ادو پنجم محصول را می برد ولی مالک، گاو بند، ربا خوار، پیشه ور ده همیشه چند برابر این یک پنجم او را بدهکار و اسیر خود دارند.

در مورد نقش گاو بند و مالک و ربا خوار و پیشه - ور ده و دیگر انگلهای بستی نیست فقط باید بگوئیم این ها میخورند. آنها کار میکنند

اصلاحات ارضی: تقسیم اراضی، ایجاد خرده مالک و تشکیل کثورتیوها به معنی تولید نوین کشاورزی و روابط تازه و بر انداختن روابط غلط مالک و زارع است.

وقتی آرسنجانان میگوید این کاممتر از ملی شدن صنعت نفت است جز دروغ و بیهوده گوئی و گول زدن مردم چیز دیگری نگفته است.

لایحه آرسنجانان - امینی سازمان پوسیده بزرگ مالکی و روابط مالک و زارع را بجای خود محکم حفظ کرده است.

تبصره ماده ۱۷؛ زمینهای آبی طبق مقررات این قانون با حقیقه مربوط از قنات یا رودخانه و غیر بزارع منتقل خواهد شد و میزان حقیقه هر زمین آبی از کل منبع آب مربوط با در نظر گرفتن آبش طبق معمول محل خواهد بود.

فصل هفتم - روابط زارع و مالک

الف - وظایف مالک

۱ - پرداخت مخارج مرمت و نگهداری قنات و ...

پرداخت هزینه آب رودخانه و انهار و احداث و تغییر طبق معمول محل

۳ - تهیه بذر مناسب در نقاطی که بذر بعهده مالک است.

وظایف زارع

۱ - انجام عملیات زارعی از قبیل شخم - آماده نمودن زمین - کشت - مواظبتهای زراعتی - برداشت و غیره طبق هدف محل

۲ - تهیه بذر مناسب در نقاطیکه تهیه بذر بعهده زارع است.

وظایف مشترک مالک و زارع

۱ - مراقبت و حفظ و نگهداری قنات - چاه - استخر - جدول نهر و ...

۲ - اخذ هزینه کود شیمیائی و مخارج دفع آفات

۳ - پرداخت حقوق کدخدا و دشتبان و میراب و امثال آنها طبق عرف و معمول محل. آقایان آرسنجانان

امینی بفرمائید بنام اصلاحات ارضی چه روی کاغذ آورده آید آیا جز فروش زمینهای موات و بایر مالکان

و حفظ و حراست آنها و سرمایه شان کار دیگری کرده آید؟ آیا فشارها، کرسنگی ها، حق کشی ها، بیکاری

ها و انواع مسائب دیگر زارع - برزگرو کارگر را که بصورت عرف و ناشی از طرز تولید و شکل روابط مالک و زارع است شما بصورت قانون تثبیت نکرده آید؟

بنظر شما آقای آرسنجانان تقسیم محصول بصورت ۵ عامل خاص شکل تولیدی کهنه و روابط مالک و زارع نیست؟

آیا سیستم فتوای جزاینست که مالک صاحب و شامل تولید است؟

و مطابق این لایحه مالک صاحب زمین - آب

بذر - گاو و زارع و برزگرو فقط دارای نیروی کار هست یا نیست.

بفرمائید باینصورت شما جز حفظ موقعیت فتوای لایحه برای زارع - برزگرو - کارگر کرده آید؟

شما آقای آرسنجانان بما بگوئید نظرتان از عرف معمول محل چیست

بنظر شما عرف معمول محل همان خصوصیات روابط مالک و زارع نیست

آیا عرف معمول محل که امکان داشت با بیداری دهقانان صورت دیگری بگیرد باینطریق شما شکل قانونی بآن نداده آید

بما بگوئید عرف معمول محل چیزی جز تقسیم محصول بشکل ۵ عامل - مراقبت و حفظ و نگهداری قنات، چاه، باغ مرتب و حیوانات مالک و آنچه بنام

بیکاری محسوب میشود و پرداخت حقوق کدخدا و دشتبان و میراب و امثال آنها .. و پرداخت دوغن، تخم مرغ، لبنیات، پوست، پشم، مرغ و خروس و ... چیز دیگری هست.

بما بگوئید شرکت تعاونی در این لایحه شما چه میخواهد بکند؟

آقای آرسنجانان شرکت تعاونی روستائی وقتی تشکیل میشود که بزرگ مالکی بدل بخورده مالکی شود و دهقانان بعلت ضعف مالی و عدم آشنائی بوسائل تولید نوین و بمنظور همکاری وسیع در تمام زمینه ها تولید توزیع - فروش ضرورت آن خوب واقف شده همه نیرو را در شرکت و تعاون و مساعدت یکدیگر بکار میبرند.

آقای آرسنجانان: شما کدامیک از ۵ عامل را از مالک گرفته آید که میخواهید بشرکت تعاونی یا بدهقانان بدهید. در مسائل تولید - توزیع - فروش چه تغییری حاصل می شود وجه کسانی وظایف تازه ای پیدای می کنند

آقای آرسنجانان - امینی، اهمه ای وفاحتی که دارید و حرفهای بی سر و تهی که می زنید و سروصداهای احمقانه ای که راه می اندازید بواقع از ماده ۲۴ لایحه (سهم زارع و مالک از محصول هر نوع زراعتی طبق عرف و عادت معمول هر محل تقسیم خواهد شد ..) شرمنده نمیشوید

بما بگوئید سهم زارع و مالک از محصول طبق عرف و عادت معمول محل از خصوصیات ساختمان بزرگ مالکی و روابط ارباب رعیتی هست یا نیست؟

و شما آقای آرسنجانان - امینی چطور خجالت نمی کشید و تا این اندازه برای فریب دهقانان و سرگرمی مردم سروصدا راه انداخته آید

آیا این وظایفی را که برای مالک و زارع هر یک جداگانه طبق عرف معمول محل قانون کرده آید از خودتان متنفر نیستید در واقع شرمنده نیستید که این لاطائلات را بنام مبارزه با فتوای لایحه و جامعه نیمه فتوای و نیمه مستعمراتی بخورد مردم ایران میدهید.

زمان و عمل برده از چهره دروغین اصلاح طلب شما بر خواهد گرفت و مشتتتان پیش زارعین باز خواهد شد و یکبار دیگر ملت ما و مخصوصا دهقانان باین نتیجه میرسند که دولت هیئت حاکمه و نماینده مالکان بزرگ نمیتواند حقوق زحمتکشان ایران را تامین کند

بقیه کنگره دانشجو

دیوارهای استبدادی را که شکافتی فرو می ریزیم، ما بتوانیم اعلام می کنیم که همگام با ملت خویش بیاخته ایم تا شب سیاه ملک خویش را بصبح کشانیم. استعمار را که تومجروح کردی بمیرانیم و در راه تو در پی تو شرف و آزادی ملت خویش را از چنگال دژخیمان مردم خوار و غلامان جان نثار رهائی بخشیم و زنجیرهای گران را از پای تاریخ وطن خود را برداریم.

درودهای گرم و آتشین فرزندان وفادار خویش را بپذیر.

هجوم قشون چنگیزی بدانشگاه تهران

شیخون زد بدانشگاه تهران
گروه لشکری چون دیو غضبان!
ز راه کین و عدوان حمله ور گشت
بجولانکاه علم و فضل و ایمان!
بفرمان حکومت کام بنهاد
در آن قدسی سرای پاک ایوان!
بجائی کاندر آن جوشند و کوشند
جوانان وطن، در راه ایران!
کجا کز هر کنارشی رادمردی
بفرد همچو شیر اندر نیستان!
همه یزدان شناسی و اهرمن کوب
همه آزاد مرد و مرد میدان!
همه دانش پزوه و حکمت اندوز
همه پاکبیزه جوی و پاکدامان!
بتهدیب روان وارسته از تن
بتحصیل هنر دلپسته از حان!
همه بیدار مغز و روشن اندیش
همه آزاد فکر و سخت پیمان!
بدین خرم سرای نغز، کش باد
درود از جانب ملت فراوان!
هجوم آورد چون غولان رهزن
گروهی چتر باز از راه عدوان!
گروهی خورده نان از خون ملت
بجای حقگزاری، شکر احسان!
بفرزندان ملت حمله بردند
چو گرگان بر چراگاه غزالان!
بسان لشکر تاتار کز چین
هجوم آورد زی ملک خراسان!
بدست اندر سلاح و بر سر او
عنان سرنیزه بران و رخشان!
به رغم رادمردان سپاهسی
که در لشکر فزون یابی از ایشان!
بدانشگاه تهران رو نهادند
چون بر شهر سپاهان جیش افغان
نه در آئینشان رحمی بخواهر
نه در وجدانشان مهری به اخوان!
دوان چون خوک وحشی از چپ و راست
فتاده که بجان این و که آن!
یکی را سینه بشکستند و بازو
یکی را دنده کوبیدند و ستخوان
یکی را چاک کرده جیب و دامن
یکی را سخت بگرفته گریبان
فراوان سینه و سر کرده مجروح
ز جمعی بی سلاح از نوع انسان
بسا دختر که گشت از ضربت تیغ
خروشان، خونفشان، کیسویریشان
بسا پور دایر از جور سرباز
بود بشکسته سر ببریده شریان
بجرم آنکه هشیارند و خواهند
که گردد کار این کشور بسامان
بدیوار و در و اسباب تعلیم
نبخشوند نیز آن قوم نادان
کنون آزادگان خواهند یکسر
زوال دور خود کامی ز یزدان
فدیحت های این دولت رقم گشت
بدفترها بنام «ننگ دوران»
حکومت چون ندارد تکیه بر خلق
نباشد جز بنائی سست بنیان
دو صد نفرین بر آن مامور و آمر
دو صد لعنت بر این دستور و فرمان

آوای انتقام

دست رشید ملت ایران
همراه باخروش دلیران
از آستین دوباره در آید
یک نوکر سیه دل مزدور
یک دشمن سبک سرمغفور
دنبال نو کردگر آید
یک سرزیننه های خروشان
همچون صدای غرشی طوفان
آوای انتقام بر آید
فریاد زنده باد مصدق
پاینده باد رهبر صادق
از سینه های پر شرر آید
وانکه بگوشی مادر میهن
دیگر بگوشی دشمن
همواره نغمه ظفر آید
«جاوید باد جبهه ملی
این آزموده سنگر ایران
پیروز باد ملت جاوید
پاینده باد کشور ایران
پرافتخار باد نام مصدق
یکتا زعیم و رهبر ایران»

بقیه خطابه آزادی

اینست که بدون شک و تردید میگوییم بدون وصول
به مقام منبع آزادی و جلوس در جایگاه رفیع آزادی و
مستی از باده جان پرور آزادی و برخوردار شدن از
تجلیات آزادی بشر بگسترانیدن بساط حکمت و عدل و
صعود به مرحله کمال و انسانیت نائل نخواهد شد
آزادی کمال مطلوب انسانی است و مظهر
نکویی و زیبایی است و کاخ عدالت و انسانیت جز در روی پایه
آزادی استوار نخواهد گشت و درخت تمدن جز در
پرتو آزادی پرورشی نخواهد یافت و علم و دانش جز
در مهد آزادی پرورشی نخواهد یافت و پریشه ظلم و
ستمگری جز با تیشه آزادی کنده نخواهد شد و بنجم
حکمت و فلسفه جز در زمین آزادی نخواهد روئید و
مردان باشهامت و تفوی جز در هوای آزادی نشو
نما نخواهند کرد و اصل حقوق ملل جز در سایه آزادی
محفوظ نخواهد ماند و حفظ شئون ملی و کسانون
خانوادگی جز با رعایت آزادی مستقر نخواهد گردید
و پایه قومیت و ملیت فردی و اجتماعی و حفظ حیثیت
سیاسی و اجتماعی و مصونیت از تجاوز و تعدی و
زیستن با تقوای و سربلندی جز در پناه حسن حسین
آزادی میسر نخواهد شد
«از تاریخ مشروطیت ایران تالیف دکتر
ملک زاده جلد اول ص ۱۸۷» صدائی که این
خطابه را بگوشی مردم می رساند و الهام بخش مشروطه
خواهان بود بدست محمدعلیشاه مستبد خفه شد ولی
فریاد آزادپخواهر، ملت آنقدر اوج گرفت که بساط
استبداد را درهم پیچید.

بقیه ادعاهای پوچ

میکنند، غوغای میهن پرستی، جنجال آزادی، هیاهوی
مبارزه با فساد، ازدحام مبارزه با بیسوادی، یکبار دیگر
بازی رنگها و تیرنگای دیرینه هیات حاکمه را
بفرمانفرمائی سیمای ننگین دکتر علی امینی، بصفحه
آورد
ولی امروز بدنبال گذشت یک حکومت چندماهه
و ننگ آلود، هیات حاکمه، نقش بازیهای گذشته را بنقش
جدید اصلاحات ارضی تبدیل ساخت.
دولت دکتر علی امینی، بدنبال یک مانور سیاسی
امیر بایسم انگلیس، و همراه گونیهای پوسیده سخنرانی
های تبلیغاتی بر جایگاه کثیف دکتر اقبال و شریف
امامی تکیه زد. پس در پی دم از اصلاحات، مبارزه با فساد،
مبارزه با بیسوادی زد. از بیچارگیهای دولت، از خالی
بودن خزانه، از اغتشاشات اداری، از آلودگیهای
دستگاهها، و بالاخره از صداقت انقلابی خویش و هیات
دولت، سخنها گفت. ولی چه شد؟ همین دولت که از
صافی آینه مانند خزانه دولت، افسوس ریا میخوردم متجاوز
از ده میلیون ۱۰۰۰۰۰۰ ریال بود چه برای
آگهیها، اعلامیهها، نقش و نگارها، و تابلوهای جنجال
مبارزه با بیسوادی خرج نمود. برای چه؟ برای اینکه
بدنیات ثابت کند، نود و نه درصد مردم ایران بیسوادی
ده میلیون ریال برای اثبات بیسوادی مردم کشور!!! چرا؟
فقط بیک دلیل، بدلیل اینکه چهره ننگین خود را فریبنده
تر جلوه دهد.
برای اینکه بدنیای بگوید: ما که انتخابات نمیکنیم
ما که میگوئیم آزادی انتخابات در ایران غیرممکنست.
برای اینکه نود و نه درصد مردم آن بیسوادی. آخر
مردم بیسواد چگونه میتوانند بر سر نوشت خویش حاکم
باشند؟! آخر چگونه میتوان مجلس ملی بایک مشت مردم
بیسواد و جاهل ترتیب داد؟!
دانشگاه تهران، سنگر روشنفکر و آزاداندیشان
برای نشان دادن چهره حقیقی هیات حاکمه، در همان
روزهای نخست هیاهوی مبارزه با بیسوادی با نهایت
صداقت و پاکبازی حاضر شرکت در این امر اصیل و
ملی گردید. اکثر دانشجویان بخاطر نجات هم میهنان
خویش از باتلاق بیسوادی و آشنا کردن آنان با اصل
زندگی متمدن و حقوق انسانها، برای تدریس در این
کلاسها اسم نویسی کردند، معذالک برنامه کذائی
هیات حاکمه هرگز به مرحله عمل در نیامد. زیرا غرض
از این برنامه تنها آشفته کردن افکار جهانی و سرگرم
نمودن مردم بود. نه مبارزه با بیسوادی. هیات حاکمه
میخواست خود را در برابر عدم اجرای انتخابات در
مقابل افکار خارجی جهان، ذی حق نشان دهد. علی امینی
جلاد دانشگاه، و سلاخ روشنفکران سراسر ایران
میخواست مشروطیت بدون مجلس ایران را بیای جهل
و بیسوادی خود مردم گذاشته و پایه های دیکتاتوری
ظالمانه خود را محکم سازد.
و امروز نیز وزیر کشاورزی او یعنی حسن نفتی
فریاد میزند: بدون اصلاحات ارضی اجرای انتخابات
آزاد غیرممکنست!! و بدین ترتیب بازم میگوشتند تا
با مانورهای تبلیغاتی مبارزه با فساد لیزم فاجعه تعطیل
مشروطیت و کشتار و وحشیانه دانشگاه را تا استقرار
کامل استبداد سیاه ادامه دهند. غافل از اینکه ملت
ایران دیگر گول این صحنه سازها را نخواهد خورد.
بازی رنگها را پایان خواهد داد. بتهای ارتجاع را
خواهد شکست. و تا برقراری کامل مشروطیت، علی رغم
دروغ بردازیهای هیات حاکمه بیکار خواهد کرد. و
وبالاخره مشتتهای گره کرده مات بردهان یاوه گوینان
هیات حاکمه فرود خواهد آمد.

گرفتن هر نوع قرضه بدون تصویب مجلس تجاوز بقانون و خیانت به ملت ایران است

بقیه مسئله کودتا

خارجی تا عوامل و مهره های داخلی و تا مردم کوچک و خیابان همه می دانند که در این مملکت دو گروه زندگی میکنند. يك اقلیت حاکم و يك اکثریت محکوم و نیز همه می دانند اقلیت حاکم گروهی از مردمانند که بواسطه تبعیت از سیاستهای استعماری و تقبل ماموریت اجرای برنامه های آنها از حاکمیت برخوردارند.

چنین وضعی بوجود آمده است تا استعمار بتواند منافع حقه مردم این سرزمین را - از منابع و امکانات طبیعی تا محصول کار و دسترنج نیروهای انسانی - منفع خود ضبط کند.

طبیعی است که گروه محکوم در مقابل دستبرد و تجاوز دیگران بحقوق او در برابر مقاومت برمیخیزد و سپس بمبارزه می پردازد و عاقبت بواسطه آنکه اولاً اکثریت دارد و ثانیاً حق میگوید پیروز می شود و بدیهی است که استعمار خارجی و گروه حاکم داخلی همیشه با تمام قدرت در طرف دیگر مبارزه ایستاده است و هیچگاه خود در راه اعاده حقوق اکثریت اقدامی نمی کند زیرا که هدفش کاملاً در خلاف این جهت است و وجع شدید ممکن نیست.

دروغ حاضر مملکت ما که استعمار قوی و تمام مراکز قدرت حاکم را در دست دارد دولت کتر امینی هم بی چون و چرا متعلق باوست زیرا بعین می بینیم که این دولت بین مردم هیچگونه پایه ای ندارد سهلست، همه یکپارچه برای پایان دادن به عملیات غیر قانونی و جابرانه اش بپا خاسته اند بعبارت دیگر چون این دولت نه نماینده گروه محکوم و نه متکی بآنست مطابق اصول کلی و بدیهیات فوق الذکر از آن جهت جزو اقلیت حاکم آمده است که متعلق با استعمار و مامور اجرای برنامه های آنست و بموجب همین امر است که هر لحظه با تمام نیروهای جنگی و بوق کزنای دروغ پردازان در مقابل هر گونه مقاومت و مبارزه اصولی مردم، وحشیانه و ناجوانمردی یورش می آورد.

پس در این میان موضوع کودتا چیست؟
عامل کودتا کیست و هدف کودتا کدامست؟
آنچه مسلم است کودتا چنانچه جدید هم مانند کودتا چنان سابق در ۲۸ مرداد عامل استعمار و مامور اجرای برنامه های آنند. چیزی که باقی میماند یافتن هدف کودتا است که بسیار دقیق و حساس است زیرا اکنون که تمام قدرتهای حاکمه در دست استعمار است موضوع اقدام گروهی یا مراکزی از این دستکاه به عمل کودتا چندان ساده نیست پرواضح است که هدف کودتا دستکاه حکومتی نیست چرا که مدتهاست این دستکاه بدست کودتا چنان عامل استعمار اداره میشود یعنی برخلاف آنچه آقای دکتر امینی بانقشه قبلی نتیجه گیری می کند هدف کودتا حلق آویز کردن ایشان و امثال و اقران ایشان نیست زیرا دولت ایشان و قدرت های دیگر دستکاه حاکمه چنانکه گفته شد به آن علت جزو اقلیت حاکمند که تبعیت از سیاست خارجی و ماموریت اجرای نقشه های آنرا پذیرفته اند و باین ترتیب اولاد لیلی برای زمین چینی اربابان بمنظور ظرد اینان موجود نیست و ثانیاً اگر هم روزی برسبیل هوی و هوس قصد کوبیدن نوکران صدیق و مطیع خود را بنمایند از آنجا که تنها نیروی پشتیبان ایشان همان استعمار است نیاز چندان بزمین چینی نیست.

آری، کودتای دستکاه کودتا دارای مفهوم دقیق و حساسی است.

یکپار در ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ علیه ملت کودتا کردند و در آن موقع کودتا مفهوم عادی داشت باین معنی که پایگاههای داخلی ارتجاع بهدایت و پیشستیاسانی اربابان خارجی علیه دولت ملی د کتر مصدق. یعنی علیه پایگاه حکومتی مردمی که دیگر نمیخواستند محکوم باشند دست بکودتا زدند و حکومت را بدست گرفتند و بدینال آن بر مردمیکه چنان نظامی را بجان پشتیبان بودند تا ختنند تا مغزها را خرد کنند و دستها را ببندند و دهانها را بدوزند. و امروز پس از هشت سال دستکاه کودتا قصد کودتای تازه ای دارد آقای دکتر امینی با معرفی خود و دیگر «مامورین نجات هیئت حاکمه» بعنوان هدف کودتا بجای کسب اهمیت بر مسخرگی و ایتذال خود خواهد افزود. درست است که ارتجاعی ترین پایگاههای استعمار و کثیف ترین عناصر هیئت حاکمه قصد کودتای تازه ای داشته اند و در اندوختن دولتی کتر امینی و اعوان و انصارش ارتجاعی تر و کثیف تر از آنند که اربابان یا همکاران خود را بزحمت کودتا بیندازند.

آروز کودتا نمیکنند تا حکومت را در دست گیرند زیرا حکومت قبلاً در دست گرفته شده است. امروز کودتا میکنند تا چنانچه تا یک سال گذشته و عادی شده زنده تر، مدرن تر و کاملتر شود. امروز کودتا میکنند تا بعنوان استفاده از آخرین حربه و اعمال تمام قدرت بتوانند منافع حقه مردم ما را که بمقاومت دلیرانه برخاسته اند باز هم بنفع استعمار بیغما برند، تا بتوانند باز هم بقیمت فقر و کسرتکی مردم ما جیبهای خود و اربابان خود را انباشته تر سازند. امروز کودتا میکنند تا مقاومت و عصیان و مبارزه مردمی را که از این جنایات بتنگ آمده اند با نیروهای مسلح جنگی که فقط برای چنین روزهایی آماده ساخته اند هر چه و حشیانه تر در هم بکوبند تا کورستان بسازند و فارغ البال از هر تعرضی امروز کودتا میکنند تا مردمیکه در این هشت سال بسپاه چالهای قزل قلعه و باشاه و شلاق و شکنجه های قرون وسطائی و مدرن و خارک و فلفلک الافلاک و بالاخره چوبه های تیر عادت کرده اند و اهمیت نمی میدهند بمبارزه برخاسته اند. چنگ و دندان تازه ای نشان دهند.

امروز کودتا میکنند تا بمحیط مقدس دانشگاه همچون يك منطقه اشغالی - قشون پیاده کنند و چشون لشکریان چنگیز بکشند و بسوزند و بپزند. استعمار تنبیر نکرده و دستکاه کودتا از عمر خود سیر نشده است.

هشت سال پیش علیه ملت کودتا کردند و امروز هم علیه ملت کودتا میکنند.

هدف کودتا ملت قهرمانیست که علیرغم همه فشارهای دستکاه کودتا بپا خاسته است و حقوق اساسی خویش را طلب می کند. کودتاهای دستکاه کودتا بخاطر اینست که برای دولتهائی مثل دولت امینی و یا برای قدرتهای دیگر دستکاه کودتا و اسلحه و زمین هائی فراهم کند تا بهتر و آسانتر بتوانند بکشند، ویران کنند و زندان بسازند.

طبیعی است آنچه از اشکال مختلف مقاومت و مبارزه مردم که اصیل، متشکل، حساب شده و با رهبری صحیح ملی باشد برای هیئت حاکمه خطرناکتر است و بخاطر این خطر یک موجودیتش را تهدید می کند در آخرین تلسانی دست باعمال روشهای وحشیانه میزند که مجموعه آن بکودتا تعبیر میشود بنابراین همانطور که هدف کودتای هشت سال پیش بطور اعم ملت ایران و بطور قدرت اخص قدرت حکومتی مردم یعنی دولت دکتر مصدق بود امروز هم هدف کودتا بطور اخص

قدرت اصیل و متشکل مردم یعنی جبهه ملی است کودتا میخواهد بطور ناگهانی بر جبهه ملی بتازد و علاوه بر آن - همچنانکه در هشت سال پیش - در مراکز کاری مانند دانشگاه و بازار و کارخانه و مدرسه که بواسطه جمع بودن افراد بدور هم خود بخود مشکلی ایجاد می کند دست بیورشهای وحشیانه بزند تا دیگر مغزی برای فکر کردن و دستی برای کوشیدن باقی نماند بطوریکه پس از ۲۸ مرداد نیز همین برنامه را اجرا کردند و در ۱۶ مهر بیابازار تاختند در ۲۱ آبان حمله سرباز و پلیس بمدارس شروع شد در ۱۶ آذر صحن دانشگاه و کلاسهای درس ستون سه تن دانشجوی شهید نهضت ملی رنگین گشت و اکنون هم اعمالی که در این یکی دو ماهه از طرف دستکاه کودتا نسبت بجبهه ملی و در دانشگاه و مدارس تهران و شهرستانها انجام شده قیافه و مشخصات کودتا را نشان میدهد

ولی همه چیز دلالت بر آن دارد که دیگر در بر شده است -

با وجود تمام قدرت استعمار و همه قدرت و میهنهائی، عمق نهضت ملی و سرسختی جبهه ملی و استقامت مردم از یکطرف و انحطاط و زبونیت دستکاه متزلزل حاکمه و شرایط خاص بین المللی از طرف دیگر اجازه نخواهد داد حاکمان جبار بتوانند سرزمین ما را همچنان بصورت کورستان پر نعمتی خراب و بیغما بی معارض خویش سازند. بیداری و تشکر روز افزون نیروی کوبنده ملت بحدی رسید، است که دیگر اجازه نمیدهد هیچ عامل یا گروهی با هر رنگ و نقشی ای بتواند سیستم حکومت استبدادی و استعماری را ادامه دهد. همه عوامل هیئت حاکمه باید بدانند که نه تنها موش و گربه بازی ظاهری و مترقی نمائی يك گروه نسبت بگروه دیگر، بلکه حتی قربانی کردن واقعی يك گروه هم نخواهد توانست از مرگ دستکاه عامل استعمار و پایان رسیدن عمر چنین سیستم حکومتی - بهر رنگ و مشکلی که باشد - جلوگیری کند. دیگر نه «نظامیها» میتوانند با دست زدن بکودتای تازه ای قدرت حیات بدستکاه فرعون کودتا ببخشند و نه «مامورین نجات هیئت حاکمه» خواهند توانست با دروغ و نیرنگ و اعمال همان روشهای کودتائی مبارزه مردم را موقوف و ماموریت خود را بانجام رسانند.

بقیه گنگره دانشجویی

ایرانی نقش حساسی است که پیروزی کوشش ها و تلاشهای يك ملت در کبر و پیروزی آن است همزمان با دلاوری و رشادت کم نظیر دانشجویان دانشگاه های ایران که بادرک کامل مسئولیت و وقوف همه جانبه بشرائط کنونی مبارزه ملی همراه است، هزار دانشجوی ایرانی که در سراسر اروپا و آمریکا پراکنده اند دست اندر کار نبرد دلیرانه و کوشش خستگی ناپذیری برای حمایت از مبارزات هموطنانشان هستند و فریاد هائی را که بدست عوامل جور و ظلمت در داخل مرز های ایران در حلقوم مجاهدان راه آزادی شکسته می شود با صدای رسای هزارها هزار جوان میهن پرست ایرانی در افطار کیتی بلند آوازه می کنند و غیر از آن صنف دانشجویان منظور تقویت و تحکیم همبستگی بیشتر از این دانشجویان از کار و مجاهدت در زمینه های صنفی غافل نمانده اند و کنگره کسندراسیون دانشجویان ایرانی در اروپا و آمریکا محصول نتیجه بقیه در صفحه ۳

افتخار بر هبران زندانی جبهه ملی ایران